

گفت‌وگوی روزنامه صبا با ناصر فیض، شاعر:

وقت شرمساری رسیده است

سمیرا جعفری
گفت و گو



امروز می‌بایست بسیاری از شاعران خوش ذوق و خوش کلام ایران در انتظار حضوری صمیمانه در کنار رهبر معظم انقلاب بودند. قدیمی‌ترها دیدار تازه می‌کردند و جوان‌ها کتاب‌ها و شعرهای خود را نزد ایشان می‌آوردند و در کنار شعر خوانی از ادبیات غنی فارسی سخن می‌گفتند. امروز باید روز خاطره انگیزی بود برای مبلغان شعر و ادبیات فارسی. اما رسم هر ساله‌ی آن‌ها به دیدار در حضور ایشان محقق نشد. سخنان آن‌ها کلماتی شد مکتوب و شعرهایی که نقش بست بر جان شاعر. امسال شاعران ایران شعرشان را با غم سرودند. در بین آن‌ها ناصر فیض یکی از قدیمی‌ترها بود. شاعری که با لحن طنز خود شعرها سرود است خواندنی. اگر چه امسال ناصر فیض توفیق این حضور دلنشین را نداشت ولی مرور خاطرات و ابیاتش در این بزرگداشت تسکینی بود بر دل داغدارش.

قرار نگیرد، به این درجه از اخلاق حسنه نخواهد رسید. کسی که در کنار مسئولیت‌های سنگینی در کشور پر تنش ماندن ایران را دارد، آنقدر ظرافت عمل به خرج می‌دهد که به ریزترین مسائل و احساسات آدم‌ها توجه کند. در کنار این‌ها دغدغه زبان، شعر فارسی، هنر، حکمت و... را هم داشته باشد. از دیدارهایی که با اقشار مختلف جامعه داشتند، مشخص است ایشان برای تمام مسائل اجتماع اهمیت قائل بودند.

اشراف رهبر به موسیقی برای اهالی این صنعت جالب بود

این شاعر پیشکسوت ادامه داد: نکته جالب دیگر اشراف ایشان به دنیای هنر بود. آن‌ها هم مربوط به اظهار نظرهایی که در خصوص انواع موسیقی می‌کردند. حتی موسیقی که از نظر برخی، بدون مشکل نیست. خیلی مهم است که یک عالم و مجتهد درباره موسیقی اظهار نظری حرف‌های و جامع داشته باشد و تمام حرف‌اش با این مطلب که موسیقی حرام است، تمام نشده باشد. ایشان درباره جزء به جزء آن‌ها اظهار نظر ادیبانه کرده است، تا جایی که اهالی موسیقی با خواندن نظرات ایشان متوجه شدند چقدر درست و بر اساس دانسته‌های شخصی است که موسیقی می‌داند.

زمان شرمساری برخی افراد رسیده است

فیض اذعان کرد: این مسائل نشان دهنده این است که چه تصور غلطی برخی افراد در مورد چنین شخصیتی دارند. حرف‌های نادرستی که قبل از شهادت ایشان بارها به گوش می‌رسید و حالا مشخص شد که چقدر غلط و ناجوانمردانه بود. من مطمئن هستم بعد از این اتفاق و آگاهی نسبت به شخصیت ایشان همان افراد در خلوت خود شرمسار می‌شوند. آدمی که سال‌ها با تقوا و زهد وصف نشدنی زندگی می‌کرد چرا باید در مقابل چنین اتهاماتی قرار بگیرد.

ایشان مجتهد بودند، خودشان فتوا می‌دادند و آنقدر عالم، ادیب، سخنور و مشرف به تمام مسائل بودند که توانایی و حق اظهار نظر در تمام مسائل داشتند. این آدم، جامع صفات، رفتار و سکنات یک انسان کامل را داشتند. کسی که تمام این صفات را تدریس و تذکر داده است. درباره آن‌ها کتاب‌ها خوانده و مطالب متعددی نوشته است.

اگر تمام این تعاریف درباره کسی بود که در قید حیات هستند، شاید تملق و چاپلوسی محسوب می‌شد و شاید نفعی برای فرد مورد نظر داشت ولی در حال حاضر اظهار نظرها؛ نشان از واقعیت وجودی رهبرمان دارد.

بعد از این باید منتظر حرف‌های متعددی درباره صفات حسنه ایشان باشیم. خاطراتی که ایشان در زمان حیاتشان اجازه بازگویی‌اش را نمی‌دادند.



اشراف رهبر انقلاب به ادبیات فارسی و عربی

ناصر فیض گفت: من سال‌های متعددی در مراسم شعر خوانی در جوار رهبر معظم انقلاب حضور داشتم. به همین دلیل از تسلط ایشان با جریان ادبی کشور به خصوص شعر آشنا هستم. ایشان هم به ادبیات فارسی و هم عرب آشنایی کامل داشتند و هم از طرفی به سه زبان غنی و پر از ظرافت و اصطلاحات همراه با بلاغت اشراف داشتند. ترکیبی از همه‌ی این‌ها همراه با درایتی که داشتند نقطه‌ی قوت ایشان در زمینه‌ی ادبیات بود.

غافلگیری جوان توسط حضرت آقا جالب بود...

وی ادامه داد: در دیدارهای هر ساله رهبر انقلاب با شعرا؛ رسم بر این بود که شعرا کتاب‌هایشان را به ایشان هدیه می‌کردند. در یکی از دیدارها، جوانی کتاب خود را با ذوق و شوق در اختیار رهبر معظم قرار داد. معمولاً هر کسی کتابی را با خود همراه می‌آورد کتابی نبود که احتمال می‌داد رهبری خوانده باشد. معمولاً کتابی را می‌آوردند که یا تازه به چاپ رسیده بود یا هنوز منتشر نشده بود. به هر حال تصور شاعری که آن کتاب را می‌آورد این بود که تحفه‌ای به همراه دارد که ایشان اطلاعی از آن ندارد. شاعر جوان کتاب را با خوشحالی به ایشان داد ولی بلافاصله رهبر صفحه‌ی مورد نظر را باز کرد و با اشاره به بیت خاصی نقد کاملی به آن بیت کرد و حتی پیشنهادی به جوان ارائه داد. شاعر جوان کمی جا خورد و شاید احساس ناامیدی کرد از اینکه کتاب جدیدی را نیاورده است ولی از طرفی جای غیبه برای ما داشت که حضرت آقا کتاب را پیش از این خوانده بود و ای کاش کتاب مورد توجه آقا از آن ما بود. ایشان اشعار کتاب را آنقدر دقیق مطالعه کرده بودند که صفحه و بیت را کامل به یاد داشتند تا زمان روبرو شدن با شاعر؛ نقد خود را ارائه دهند.

حاشیه‌هایی که چاپ شد

فیض اظهار داشت: همچنین یکی از عادت‌های آقای خامنه‌ای این بود که اگر رمان یا کتابی می‌خواند، نظرات و انتقادهای خود را در حاشیه کتاب می‌نوشتند. نظرات ایشان به اندازه‌ای فنی و تخصصی بودند که حاشیه‌های یک کتاب ۱۲ جلدی، به عنوان کتابی مجزا به چاپ رسید. بی‌شک یک شخص ادیب، فقیه، دانشمند و وارد به کلام، چنین بلاغت و آشنایی با معانی و بیان دارد.

مهربانی و عطف ایشان مثال زدنی است

ناصر فیض در ادامه افزود: خاطرم هست در یکی از جلسات شعر خوانی؛ شاعر جوانی ابیاتی در مدح ایشان سرودند. آقای خامنه‌ای به شاعر گفتند «حیف از این ذوق شاعرانه نیست؟» شاعر جوان با این حرف ایشان

شده باشد، از آن‌ها دل جویی می‌کردند. کاری که با همین شاعر جوان کردند. او را به کنار خود آورد و دستی به سرش کشید و با مهربانی با او صحبت کرد. مطمئن هستم تا کسی مورد لطف خداوند

کمی مکدر شدند. البته بارها پیش می‌آمد که ایشان در کنار تحسین کردن افراد، گاهی هم انتقادات صریحی می‌کردند. ولی با توجه به روحیه مهربان و عطفی که داشتند و اینکه احساس می‌کردند شاید آن شخص ناراحت